

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هفتاد و هشتم ۱۳۹۸/۰۱/۲۵

موضوع: «راه‌های تصحیح روایت ضعیف اهل سنت- کثرت طرق حدیث - راویان مختلف فیه»

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة

على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله

پرسش: (درباره عابدینی اصفهانی)

پاسخ:

ما می‌خواهیم دوستانه با ایشان صحبت کنیم، ما قصد مناظره نداریم، دیروز يك کتابی از «تهران» برایمان آورده‌اند يك خانمی به نام «وسمقی» تمام حرف‌هایی که ایشان زده، این خانم هم عین همین حرف‌ها را در آن‌جا زده است. يك کتاب چهار صد - پانصد صفحه‌ای تکثیر کرده است.

پرسش:

از خودش است یا از کسی درس گرفته است؟

پاسخ:

ببینید! مادر بزرگ همه این‌ها «قلمداران» خبیث است! قدم اول را او برداشت. هرکس بعد از او در این فاز آمده از «قلمداران» گرفته است، عابدینی از «قلمداران» گرفته و این خانم «وسمقی» از «قلمداران» گرفته، آقای «طباطبایی» از «قلمداران» گرفته، «سید ابوالفضل برقی» از «قلمداران» گرفته، ما باید يك کاری بکنیم «قلمداران» را بشکنیم!

الان سه - چهار تا تیم در «اصفهان» هستند و فعالیت گسترده در فضای مجازی دارند، کانال و گروه دارند و همین حرف‌ها را می‌زنند که اصلا امامتی نیست و تمام این‌ها را آخوندها و روحانیون ما ساختند! عصمتی نبوده و امثال این‌ها، می‌گویند در قرن سوم و چهارم این‌ها درست شده است.

ما دیروز هم با آقای «مقتدایی» صحبت کردیم، بنا شد من با پسر آقای «طباطبایی» که شاگرد ما بوده با ایشان صحبت کنم که با ابوی‌شان قرار بگذارد، در دفتر آقای «طباطبایی» باشد و هفت - هشت نفر از اساتید حوزه باشند. من هم با جسارت و ناسزا گویی و ... صد در صد مخالف هستم، این کار، کار غلطی است.

در هر صورت ...

این مسائل مصیبتی است که ما الان گرفتاریم و مشکل هم مال ما است، مقصر ما حوزوی‌ها هستیم، اگر ما در فضای مجازی بیاییم آن حقایق را خوب مطرح کنیم و به افرادی که شبهه مطرح می‌کنند جواب داده بشود، دو نفر، سه نفر، پنج نفر بیایند جواب بدهند دیگر در مسائل بعدی این‌ها جرأت نمی‌کنند چنین حرفی بزنند؛ ولی این‌ها چنین حرفی می‌زنند، چهار نفر هم در پای درس و سخنرانی‌شان احسنت می‌گویند. همین آقای عابدینی حکومت جمهوری اسلامی را مقایسه کرده با حکومت منصور دوانیقی! می‌گوید هیچ تفاوتی ندارند!

دیروز من يك کتابی را دیدم که چاپ شده به نام «بازخوانی شریعت» از خانم «وسمقی» و خودش هم تحصیل کرده «سوئد» است این کتاب تازه چاپ شده تقریبا يك سال و اندی می‌شود، کل عقاید شیعه را زیر سوال برده است. اصلا همه بحث امامت، غدیر و غیره را زیر سوال برده است.

**پرسش:**

استاد! کتاب در ایران چاپ شده است؟

## پاسخ:

نه، غير قانونی چاپ شده، شماره شابك هم ندارد. من معتقدم اگر كتاب «شاهراه اتحاد» خوب نقد علمی بشود، جواب همه این‌ها داده شده است. نظر من این است كه كتاب «شاهراه اتحاد» باید خوب جواب داده بشود و در تیراژ خیلی بالا صد هزار دویست هزار چاپ بشود و در اختیار همه بالخصوص حوزه‌های علمی قرار بگیرد كه این شبهاتی كه دارند مطرح می‌کنند، پاسخ داده شود. همه این‌ها حرف‌های بی اساسی است.

## پرسش:

حاج اقا! در روایات اصحاب عقبه، روایت «المحلی ابن حزم» را دیده‌اید؟

## پاسخ:

بله، دیده‌ام. جلد ۱۱ صفحه ۲۲۴ است.

## پرسش:

غير از این دلیل، دلیل دیگر نیست؟

## پاسخ:

ندیدم کسی به این شکل آورده باشد.

## آغاز بحث...

بحث ما در رابطه با روش‌های پاسخگویی به شبهات بود و به بحث راهکار تصحیح و تضعیف روایات رسیدیم. ما در جلسه گذشته این بحث را كه بعضی‌ها می‌گویند «كذاب و یا يكذب» گفتیم يك راهکارهایی است كه اصلا كذاب را آقایان در جایی كه به ضررشان است گفتند از تضعیفات صریح نیست، اگر می‌گویند كذاب، مراد

چیست؟ مثلاً کذب یعنی اخطأ، اخطأ هم که اشکالی ندارد و یا گفته کذاب، کذاب فی امور دینی، یا کذاب فی امور دنیوی، کذاب و یکذب للمصلحة او للمفسده، مادامی که برای ما روشن نباشد که کذاب به چه معنا است دلیل بر ضعف راوی نیست.

بحث بعدی این است راهکاری که ما بتوانیم روایات را تصحیح کنیم. تقویت حدیث به کثرت الطرق است، عزیزان این را دقت کنند، ما در بعضی از موارد که کم هم نیست، روایاتی که در فضائل اهل بیت (علیهم السلام) داریم، در روایت‌شان آقایان حرف دارند. البته راویانی که هیچ حرف نداشته باشند آقایان خیلی کم دارند؛ یعنی غیر از صحابه نسبت به دیگر روایت‌شان که اتفاق نظر داشته باشند و بگویند ثقه است این‌ها خیلی کم است. حتی «ذهبی» کتاب مستقلاً به اسم «الرواة الثقات المتکلم فیهم بما لا یوجب الرد علیهم» نوشته است. در این کتاب، ثقاتی که تضعیف شده را آورده است. حتی مؤثقی این‌ها همه‌شان کلام و تضعیفی دارند به طوری که «ذهبی» يك کتاب مستقل در این باره نوشته است.

ما برای روایاتی که راویانشان تضعیف شده است. دو راه برای تصحیح روایت‌شان داریم:

۱- اگر راوی تضعیف شده، بررسی کنیم که آیا کسی هم او را توثیق کرده و یا نکرده است، مثلاً ده نفر تضعیف کرده‌اند و دو - سه نفر هم توثیق کرده‌اند، اگر اینگونه باشد، خیلی راحت می‌شود نجاتش داد! آقایان می‌گویند «کلّ راو مختلف فیہ حدیثه حسن والحديث الحسن کالصحيح فی الاحتجاج!»

۲- روایانش تضعیف هستند؛ ولی سه - چهار و پنج روایت در این زمینه آمده ولو تمام روایانش تضعیف هستند، روایان تضعیف اگر تعدد طرق بود، تعدد طرق منجبر ضعف روات است، از این کانال هم خیلی راحت می‌شود بحث را تثبیت کرد.

عزیزان دقت بفرمایند مثلا خود «ابن تیمیه» می گوید:

«تعدّد الطرق وکثرتها یقوی بعضها بعضا حتی قد یحصل العلم بها ولو کان الناقلون فجارا فساقا»

کتاب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة ، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو

العباس الوفاء: ۷۲۸ ، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة ، الطبعة: الثانية ، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن

قاسم العاصمي النجدي، ج ۱۸، ص ۲۶

اگر در فضائل اهل بیت (علیهم السلام) سه - چهار تا روایت بود می گوئیم ولو این که تمام روایانش فساق و فجار هم هستند، طبق مبنای شما می توانیم به آن استناد کنیم.

این مطلب را نه تنها ایشان بلکه دیگران مانند «آلبانی» هم دارند . او در کتاب «إرواء الغلیل» همین تعبیر را دارد. بحثی را مطرح می کند و می گوید خلاصه ی سخن این که:

«أن الحدیث طرقه كلها لا تخلو من ضعف ولكنه ضعف یسیر إذ لیس فی شیء منها من اتهم بكذب وإنما

العلة الارسال أو سوء الحفظ ومن المقرر فی علم المصطلح»

-«علم المصطلح»؛ یعنی علم رجال!-

«أن الطرق یقوی بعضها بعضا إذا لم یکن فیها متهم كما قرره النووی فی تقریبه ثم السیوطی فی شرحه

وعلیه فالنفس تطمئن لصحة هذا الحدیث»

إرواء الغلیل - (ج ۱ / ص ۱۶۰ و ۱۶۱)

البته بحث اتهام به کذبش را هم ما گفتیم راهکار دارد که آن را قبلا گفتیم

در جای دیگر می‌گوید «دار قطنی» از «معاذ» نقل کرده است که ... :

«وكلها ضعيفة»

تمام این روایت ضعیف است

«لكن قد يقوي بعضها بعضا»

سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل الصنعاني الأمير

الوفاة: ٨٥٢ ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - ١٣٧٩ ، الطبعة: الرابعة ، تحقيق: محمد

عبد العزيز الخولي، ج ٣، ص ١٠٧

«بدرالدين عيني» هم در «شرح صحيح بخاری» جلد ٣ صفحه ٣٠٧ از «نووی» - که از او به فقیه الامه تعبیر

می‌کنند، متوفای ٦٧٦ و صاحب کتاب «المجموع» - در «شرح مهذب» گفته است:

«وقال النووي في ( شرح المهذب ) : إن الحديث إذا روي من طرق ومفرداتها ضعاف يحتج به ، على أنا

نقول : قد شهد لمذهبنا عدة أحاديث من الصحابة بطرق مختلفة كثيرة يقوي بعضها بعضا ، وإن كان كل

واحد ضعيفا»

...اگر چه تک تک این‌ها همه ضعیف است

عمدة القاري شرح صحيح البخاري ، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني الوفاة: ٨٥٥هـ ،

دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٣، ص ٣٠٧

پرسش:

استاد! شیعه هم دارد ؟

## پاسخ:

بله، مستفیض همین است. شما به کتاب‌های فقهی آقای «خویی» مراجعه کنید، ایشان به يك موضوعی می‌رسد که سه یا بیشتر روایت دارد، می‌گوید:

«کثرة الطرق تغیننا عن البحث فی السند»

## پرسش:

حتی اگر روایت ضعیف باشد؟

## پاسخ:

بحث در روایت ضعیف است دیگر! اگر روایت ضعیف نباشد که خبر واحد هم حجت است. البته ضعیف‌ها فرق می‌کند، يك دفعه ما ضعیف داریم، درباره او گفته‌اند یکذب و یضع، وضاع؛ در این مورد اگر پانصد روایت هم داشته باشیم ما زیر بار نمی‌رویم و قبول نداریم. بحث ما در ضعیف بخاطر مجهول و مهمل بودن و ارسال، مثل «عمن حدثه، عن ذکره» و عدم توثیق راوی است که البته وضاع و کذاب هم در مورد راوی نیست.

اگر کاذب باشد هزار تا صفر را هم کنار هم بگذارید مساوی صفر است.

«ابن حجر» که البته متن «بلوغ المرام» از «ابن حجر» است و «سبل السلام» از «محمد ابن اسماعیل صنعانی» است، ایشان در جلد ۳ روایتی را نقل می‌کند و ابن ماجه هم دارد که:

«وکلها ضعیفة، لکن قد یقوي بعضها بعضا»

سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل الصنعاني الأمير  
الوفاء: ٨٥٢ ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - ١٣٧٩ ، الطبعة: الرابعة ، تحقيق: محمد  
عبد العزيز الخولي، ج ٣، ص ١٠٧

باز ایشان همین تعبیر را در جای دیگر و در چاپ دیگر دارد، «سید سابق» در «فقه السنة» که کتابش معتبر  
است و در دانشگاهها تدریس هم می‌شود و خودش هم يك آدم ملایمی است، در جلد اول صفحه ٧٥ حدیثی را  
می‌آورد و می‌گوید:

«والحدیث وإن كان ضعيفا، إلا أن له طرقا يقوي بعضها بعضا، فتنهض للاحتجاج بها»

فقه السنة - (ج ١ / ص ١٠٨)

باز «شوکانی» در کتاب «نیل الاوطار» در جلد اول صفحه ١٩٥ می‌گوید روایت «دار قطنی» از «ابن عباس» دارد

«وَعِنْدَ الدَّارِ قَطْنِيٍّ مِنْ حَدِيثِ بْنِ عَبَّاسٍ وَإِسْنَادُهُ ضَعِيفٌ»

«دار قطنی» از حدیث «عبدالله ابن شخیر» دارد

«وَإِسْنَادُهُ ضَعِيفٌ أَيْضًا»

«بزار» هم دارد:

«ضعيف... وَهَذِهِ الرَّوَايَاتُ يُقَوِّي بَعْضُهَا بَعْضًا فَتَنْتَهِضُ لِلاَحْتِجَاجِ بِهَا»

نیل الاوطار من أحاديث سيد الأخيار شرح منتقى الأخبار ، اسم المؤلف: محمد بن علي بن محمد

الشوكاني الوفاة: ١٢٥٥ ، دار النشر: دار الجيل - بيروت - ١٩٧٣، ج ١، ص ٥٤



حالا عزیزان این جا را ببینید در «سبل السلام، ابن حجر و صنعانی» در جلد دوم دارد:

«ومثله حديث اقتدوا باللذين من بعدي أبي بكر وعمر» أخرجه الترمذي وقال حسن وأخرجه أحمد وابن

ماجه وابن حبان وله طرق فيها مقال

در تمام این طرق ضعف است

«إلا أنه يقوي بعضها بعضا»

سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل الصنعاني الأمير

الوفاة: ٨٥٢ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت - ١٣٧٩ ، الطبعة : الرابعة ، تحقيق : محمد

عبد العزيز الخولي، ج ٢، ص ١١

دوستان این را داشته باشند، در رابطه با موافقات عمر ؛ یهودی آمد با عمر ملاقات کرد و گفت جبرئیلی که پیغمبر از او نام می برد، این دشمن ما است.

«فقال عمر من كان عدواً لله وملائكته ورسله وجبريل وميكايل فإن الله عدو للكافرين»

بعد:

«فنزلت على وفق ما قال»

همان طوری که آقای عمر گفته بود جبرئیل هم آمد، عین گفتار آقای عمر را به صورت آیه نازل کرد!

«وهذه طرق يقوي بعضها بعضا»

فتح الباري شرح صحيح البخاري ، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي

الوفاة: ٨٥٢ ، دار النشر : دار المعرفة - بيروت ، تحقيق : محب الدين الخطيب، ج ٨، ص ١٦٦

کلا دو یا سه تا روایت بیشتر نیست ولی می‌گوید: «یقوی بعضها بعضا»؛ حالا شما این جا را دقت کنید: حدیث «أنا مدينة العلم وعلي بابها»؛ در کتاب «موضوعات ابن جوزی» است که در جلد دوم در این چاپ صفحه ۱۱۰ خوب دقت کنید تا ببینید این مرضها چه کار می‌کند، به تعبیر «شیخ صدوق» فردای قیامت محاکمه‌ی امیرالمؤمنین که: «أول من يجثو بين يدي الرحمن» تماشایی است، واقعا تماشایی است!

«الحديث العاشر في ذكر مدينة العلم، وفيه عن علي وابن عباس وجابر، فأما حديث علي رضي عنه فله خمسة طرق»

الموضوعات لابن الجوزي - (ج ۱ / ص ۳۴۹)

طریق اول، طریق دوم، طریق سوم، طریق چهارم و طریق پنجم!

«وأما حديث ابن عباس فله عشرة طرق»

الموضوعات لابن الجوزي - (ج ۱ / ص ۳۵۰)

باز یکی یکی «...طریق خامس، طریق سادس، طریق سابع، طریق ثامن، طریق تاسع و طریق عاشر»؛ اینها را می‌آورد

«وأما حديث جابر»

این را با دو تا سند می‌آورد و شروع می‌کند

« ثم في الطريق الاول محمد بن عمر الروبي، قال ابن حبان: كان يأتي عن الثقة بما ليس من أحاديثهم لا يجوز الاحتجاج به بحال؛ وفي الطريق الثاني والثالث عبدالحميد بن بحر...»

الموضوعات لابن الجوزي - (ج ۱ / ص ۳۵۳)

یکی یکی، ۱۷ روایت را تضعیف می‌کند و می‌گوید ما روایت صحیحی در رابطه با «أنا مدينة العلم وعلي بابها»؛ نداریم!

دقت کنید حدیث «اقتدوا بعدي أبي بكر وعمر» سه تا روایت بیشتر نیست، می‌گوید: «يقوي بعضها بعضا»! دربارهی آیهی:

«مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ»

هر که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل است [بداند که] خدا یقیناً دشمن کافران است

سوره بقره (۲): آیه ۹۸

دو - سه تا روایت بیشتر نیست، دارد که «يقوي بعضها بعضا»؛ که بر طبق خواسته‌ی عمر آیه نازل شد؛ ولی متأسفانه این‌جا می‌آید این‌طوری می‌گوید واقعا آدم مبهوت می‌ماند که این‌ها را چه کار کند!!

بینید عزیزان و این را دقت کنید، «حاکم نیشابوری» روایت را تصحیح کرده، «ابن حجر» تصحیح کرده، «یحیی ابن معین» تصحیح کرده، «متقی هندی» تصحیح کرده، «ابن حجر هیتمی» تصحیح کرده، «سیوطی» تصحیح کرده، «مناوی» تصحیح کرده، «ابن سمعون، انصاری شافعی، سخاوی، صالحی شامی، زرکشی حنبلی و...» حدود هجده نفر، تصحیح کرده‌اند. «حاکم نیشابوری» به صراحت دارد:

«أنا مدينة العلم وعلي بابها فمن أراد المدينة فليأت الباب»

بعد دارد:

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین ، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥ هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص ١٣٧

«ابن حجر» همين طور دارد:

«وهذا الحديث له طرق كثيرة في مستدرک الحاكم أقل أحوالها أن يكون للحديث أصل فلا ينبغي أن يطلق القول عليه بالوضع»

لسان الميزان ، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة: ٨٥٢ ، دار النشر : مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - ١٤٠٦ - ١٩٨٦ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : دائرة المعارف النظامية - الهند - ج ٢، ص ١٢٢

همه به «ابن جوزي» اعتراض دارند؛ مثلا «متقى هندی» تعبير زیبایی دارد، بعد از این که تصحيح «ابن حجر» و تضعيف «ابن جوزي» را نقل می کند می گوید:

«وقد كنت أجيب بهذا الجواب دهرا»

همين طوری می گفتند، بعضی ها تصحيح کردند و بعضی ها تضعيف کردند

«إلى أن وقفت على تصحيح ابن جرير لحديث علي في تهذيب الآثار مع تصحيح الحديث ابن عباس فاستخرت الله وجزمت بارتقاء الحديث من مرتبة الحسن إلى مرتبة الصحة»

كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال ، اسم المؤلف: علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي الوفاة: ٩٧٥هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٩هـ-١٩٩٨م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق :

محمود عمر الدمياطي، ج ١٣، ص ٦٥

می‌گوید با تصحیح «ابن حجر» و تضعیف «ابن جوزی» حدیث حسن شد؛ یعنی حدیث مختلف فیه حدیث حسن می‌شود؛ ولی می‌گوید بعد که من پیدا کردم که «ابن جریر» و این‌ها هم در «تهذیب الآثار» تصحیح کرده‌اند دیگر این روایت را از حسن به صحیح ارتقاء دادم.

یعنی تک تک به همین شکل تمام این ۱۴ نفر از بزرگان اهل سنت حدیث انا مدینه العلم را تصحیح کرده‌اند و آورده‌اند؛ ولی با همه این‌ها «ابن جوزی» می‌آید تمام این‌ها را کنار می‌گذارد و تمام هفده سند را مورد خدشه قرار می‌دهد و در هفده سند «لا یقوی بعضها بعضا!!»

من در این فایل آورده ام که:

«حدیث انا مدینه العلم وعلی بابها موجودة فی الصحیح الترمذی ولكن الایادی الخائنة ... حذفها عن الترمذی!»

این‌ها هم از «ترمذی» نقل کردند؛ ولی در «صحیح ترمذی» که الان چاپ شده حدیث «انا مدینه العلم وعلی بابها» وجود ندارد! «تاریخ الخلفاء سیوطی»؛ می‌گوید: اخرجہ الترمذی. «ابن حجر»، می‌گوید: «اخرجہ الترمذی»؛ و «الصواعق المحرقة» و خود «ابن تیمیه» هم از «صحیح ترمذی» نقل می‌کند همه می‌گویند: «اخرجہ الترمذی»! ولی شما الان در سنن ترمذی حدیث انا مدینه العلم را پیدا نمی‌کنید.

**پرسش:**

شما دارید که این را «صحیح ترمذی» داشته است.

**پاسخ:**

الان نیست، در «صحیح ترمذی» که الان چاپ شده حدیث «انا مدینه العلم وعلی بابها»؛ اصلا ذکر نشده است!

در هر صورت...

این‌ها مظلومیت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است. من معتقدم اگر این‌طور نمونه‌ها را ما بیاوریم تا بلو کنیم و بگوییم ببینید در فضائل عمر این‌طور می‌گویند در فضائل علی ابن‌طور! عقیده من این است همین تعارضات و تناقضات باعث بیداری خیلی از این جوان‌های اهل سنت می‌شود.

لازم نیست (همیشه) ما در رابطه با خلافت امیرالمؤمنین ده تا آیه و روایت بیاوریم، همین‌ها نشان می‌دهد که برخوردها، برخوردهای متعصبانه و جانبدارانه بوده است، البته از این نمونه‌ها ما زیاد داریم، شاید بیش از ۵۰ مورد من دارم که يك راوی مثلا «شريك»، حدیث «انا مدينة العلم وعلی بابها» را نقل می‌کند، «ذهبی» می‌گوید:

«شريك لا یحتمله هذا»

در دو سطر بعد می‌آید در رابطه با ابوبکر نقل می‌کند به عنوان امر مفروغ عنه و مسلم قبول می‌کند و رد می‌شود! این در يك صفحه است! ما باید ۳۰ - ۴۰ تا از این‌ها را بیاوریم و کنار هم بگذاریم. یعنی نگاه دوگانه به احادیث امیرالمؤمنین و احادیث مربوط به فضائل آن‌ها.

ببینید «ابن تیمیه» چه کار کرده است؟ این را هم عزیزان دقت کنند:

« وأما حدیث (أنا مدينة العلم) فأضعف وأوهی ! »

کلمه «اوهن» در لسان رجالیون؛ یعنی ضعیف بالشدّة، ایشان می‌گویند «و اوهی»؛ نه تنها «واه»، بلکه اوهی است.

«ولهذا انما یعدّ في الموضوعات المكذوبات وان كان الترمذی قد رواه ولهذا ذكره بن الجوزی في

الموضوعات وین أنه موضوع من سائر طرقه»

کتاب و رسائل و فتاویٰ شیخ الإسلام ابن تیمیة ، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس الوفاة: ۷۲۸ ، دار النشر : مكتبة ابن تیمیة ، الطبعة : الثانية ، تحقیق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج ۴، ص ۴۱۰

حرف «ابن جوزی» برای اینها خوراکي شده است. البته «سبط ابن جوزی» آمده به جد خودش هرچه از دهنش در آمده گفته است! خیلی مفصل روی این قضیه بحث کرده است، و روی حدیث «انا مدينة العلم»؛ «سبط ابن جوزی» خوب وارد شده است و خیلی حرفهای جالبی هم دارد.

بعد «ابن تیمیه» میگوید:

«والكذب يعرف من نفس متنه لا يحتاج إلى النظر في إسناده»

دوستان دقت کنند

«والكذب يعرف من نفس متنه لا يحتاج إلى النظر في إسناده فإن النبي صلى الله عليه وسلم إذا كان ( مدينة العلم ) لم يكن لهذه المدينة الا باب واحد ولا يجوز أن يكون المبلغ عنه واحدا بل يجب أن يكون المبلغ عنه أهل التواتر الذين يحصل العلم بخبرهم للغائب ... وهذا الحديث انما افتراه زنديق أو جاهل ظنه مدحا»

کتاب و رسائل و فتاویٰ شیخ الإسلام ابن تیمیة ، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس الوفاة: ۷۲۸ ، دار النشر : مكتبة ابن تیمیة ، الطبعة : الثانية ، تحقیق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج ۴، ص ۴۱۰

میگوید اصلا این حدیث متنش دلالت می کند که باطل است؛ چون اگر يك شهری دری داشته باشد، در آن در همه می آیند و می روند معنی ندارد که يك شهری دری داشته باشد، فقط يك نفر برود و بیاید!

بعد می گوید:

«لم يقل أحد من علماء المسلمين المعتبرين أن عليا أعلم وأفقه من أبي بكر وعمر»

کتاب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة ، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو

العباس الوفاة: ۷۲۸ ، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة ، الطبعة: الثانية ، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن

قاسم العاصمي النجدي، ج ۴، ص ۳۹۸

بايد به ابن تیمیة گفت: خود عمر می گوید: همه مردم از عمر افقه هستند حتی زنان پرده نشین!

«كل الناس أفقه من عمر حتى المخدرات»

شرح المقاصد في علم الكلام ، اسم المؤلف: سعد الدين مسعود بن عمر بن عبد الله التفتازاني الوفاة:

۷۹۱هـ ، دار النشر: دار المعارف النعمانية - باكستان - ۱۴۰۱هـ - ۱۹۸۱م ، الطبعة: الأولى، ج ۲، ص

۲۹۴

حتى تعبیر «عجائز» دارد، نه تنها مخدرات، حتی پیرزن ها هم از عمر افقه هستند! این «صحيح مسلم» است که

می گوید کسی نزد عمر آمد گفت من جنب شدم چه کار کنم؟ عمر گفت نماز نخوان! «عمار» اعتراض کرد و

گفت من و تو باهم محتلم شده بودیم. صبح بلند شدیم تو نماز نخواندی و من رفتم تیمم کردم و نماز خواندم

بعد آمدم خدمت رسول اکرم، رسول اکرم کار من را تأیید کرد، عمر يك نگاهی چپ به «عمار» کرد و گفت:

«عمار» خجالت بکش! عمار هم گفت: اگر ناراحت می شوی، دیگر این را نقل نمی کنم!

ان رجلا اتى عمر فقال اني اجنبت فلم اجد ماء فقال لا تصل فقال عمار اما تذكر يا امير المؤمنين اذانا

وأنت في سرية فأجنبتنا فلم نجد ماء فأما أنت فلم تصل واما انا فتمعكت في التراب وصليت فقال النبي



صلى الله عليه وسلم إنما كان يكفيك ان تضرب بيدك الأرض ثم تنفخ ثم تمسح بهما وجهك وكفيك  
فقال عمر اتق الله يا عمار قال إن شئت لم احدث به!

النيسابوري القشيري، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ۲۶۱هـ)، صحيح مسلم، ج ۱، ص ۱۹۳، ناشر:  
دار الفكر - بيروت، بي تا.

شما ببینید این آیه قرآن است:

(وَإِنْ كُنْتُمْ جُبْنًا ... فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا)

سوره مائده (۵): آیه ۶

این دیگر حدیث نیست، که ما بگوییم مسئله مخفی مانده، من نمی دانم «عمار» چرا به آیه استناد نکرده است، شاید ایشان خواسته يك سیره را بگوید و يك طعنه‌ی هم به عمر بزند! شاید خواسته که يك خاطره‌ی هم تعریف کرده باشد.

می گویند يك کسی کنار «بيت الله الحرام» بود و گفت دیگر من بعد از این علیه بعضی‌ها جك تعریف نمی کنم! و از کارش استغفار کرد. بعد یکی از همان گروه را دید که در آن جا می گوید آقا قبله کدام طرف است! گفت: خدایا چون قسم خوردم جك دیگر تعریف نمی کنم ولی خاطره که می توانم تعریف بکنم! شاید «عمار» هم خاطره تعریف کرده است! خود روایت خیلی بو دار است!

والسلام علیکم ورحمه الله